

## صنعت «تأکید»، اسلوب‌ها و تفاوت آن‌ها

محمدرضا آزاد \*

### چکیده

برای رسیدن به معنا و دلالت‌یابی در زبان عربی نیازمند کنکاش دقیق معنایی هستیم. از جمله صنعت‌های موجود در زبان عربی، تأکید است. تأکید برای اهدافی همچون: قوی کردن محتوای کلام، تثبیت مطلب در ذهن شنونده و برطرف کردن شک و تردید استعمال می‌شود. صنعت تأکید، در علوم مربوط به زبان همچون: نحو، لغت، نقد، بلاغت و زبان‌شناسی به صورت‌های مختلفی بروز نموده و متکلم با توجه به نیازی که دارد از آن‌ها بهره می‌برد. این تحقیق نشان می‌دهد انتخاب عبارت یا درجات مختلف تأکید و یا حتی بدون چاشنی تأکید کاملاً هوشمندانه، هدفمند، در خدمت محتوا و به منظور مناسب‌سازی کلام با نیاز مخاطب پیام و تأثیرگذاری هر چه بیشتر در اوست.

### واژگان کلیدی:

ادوات تأکید، اسالیب تأکید، تأکید، انواع تأکید، تفاوت إن و لام



## مقدمه

صنعت تأکید از جمله موضوعاتی است که قسمتی از آن در علم نحو و بخشی از آن در علم بلاغت مورد کاوش و بررسی قرار می‌گیرد. تأکید در علم نحو، از توابع محسوب می‌شود. این قسم از تأکید، بر دو قسم معنوی و لفظی بوده و باعث تأکید یک یا چند جزء از کلام است. اما تأکید در علم بلاغت، تأکید اسناد خبری است که از آن در ابتدای علم معانی و در ذیل بحث تأکید خبر، سخن به میان می‌آید. از آن جایی که تأکید با هدف خاصی (زائل کردن شک و تردید در مخاطب) صورت می‌پذیرد، در همه زبان‌ها وجود دارد. بنابراین تأکید، یک مسئله فزازبانی است. در بخش‌های مختلف زبان عربی، ادوات و اسالیب گوناگونی را می‌بینیم که وظیفه همه آنها در ظاهر یک چیز است و برای القاء یک معنا به کار می‌روند. به عنوان مثال در مسأله تشبیه، عرب گاهی از کأن، گاهی از حرف کاف و گاهی نیز از مثل و یا فعل مشابه استفاده می‌کند. اما در اینجا این سوال مطرح می‌شود که آیا همه این ادوات به یک معنا هستند؟ و آیا در کلام گوینده بلیغ، بین این اسالیب تفاوتی وجود ندارد؟ در کتب بلاغی داستانی در این باره نقل شده است: «کندی (فیلسوف عرب زبان قرن سوم هجری)، نزد ابوالعباس مبرّد (از نحّات قرن سوم هجری) رفت و به او گفت: «من در سخن عرب، زیاده و حشو می‌یابم» ابوالعباس پرسید: در کجا؟ کندی گفت: عرب می‌گوید: «عبدالله قائم» و بار دیگر می‌گوید: «ان عبد الله قائم» و بار دیگر می‌گوید: «ان عبد الله لقائم» در این عبارتها، الفاظ تکرار شده ولی معنا یکی است. ابوالعباس گفت: معانی بر اساس دگرگونی الفاظ تفاوت یافته است. در جمله نخست «عبدالله قائم» از ایستادن عبدالله خبر داده شده است. جمله دوم پاسخ پرسش کننده‌ای است و در نهایت جمله سوم جواب کسی است که قیام عبدالله را انکار کرده؛ الفاظ به جهت تکرار معانی تکرار شده است بعد از این پاسخ، کندی مدعی فلسفه،



شگفت‌زده شد.<sup>۲</sup> بنابراین اهتمام عرب به تأکید و نقش ادوات تأکید از اینجا روشن می‌گردد. اما این‌که چه تفاوت و اختلافی بین این ادوات وجود دارد پرسشی است که در این داستان به آن پرداخته نشده است. با توجه به جامعه آماری وسیع و گسترده در مسأله تأکید و همچنین به جهت محدودیت فرصت و مجال اندک در این نوشتار، به بررسی این موضوع به طور اجمالی و مطالعه اسالیب و ادوات تأکید و تفاوت بین برخی از آن‌ها به طور عمیق‌تر، می‌پردازیم.

### معنا شناسی واژه تأکید

«تأکید» به لحاظ لغوی مصدر باب تفعیل از ریشه «أ ک د» است. لغت «توکید» که در معاجم لغوی آن را فصیح‌تر از تأکید خوانده‌اند نیز در زبان عربی به کار می‌رود و هر دو به معنای محکم کردن و ثابت نگه داشتن است. به همین دلیل برای طنابی که بوسیله آن زین اسب را محکم می‌کرده‌اند نیز این واژه را استعمال می‌کردند. توکید در آیه شریفه «لَا تَنْفُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا»<sup>۳</sup> به همین معناست.<sup>۴</sup> تأکید در اصطلاح علم بلاغت «محکم کردن و تثبیت مطلب در ذهن مخاطب با روشی خاص و برای هدف خاصی است».<sup>۵</sup> این تعریف عام است و هم تأکید مصطلح در علم نحو که از توابع است را شامل می‌شود و هم اسالیب دیگر تأکید.

۲. عبدالقادر جرجانی، *دلایل الاعجاز*، ص ۲۰۶

۳. نحل، ۹۱

۴. خلیل بن احمد فراهیدی، *العین*، ج ۵، ص ۳۹۵؛ حسین بن محمد راغب اصفهانی، *مفردات الفاظ*

قرآن، ص ۸۸۲؛ محمد بن احمد ازهری، *تهذیب اللغه*، ج ۱۰، ص ۱۸۰

۵. احمد مطلوب، *معجم المصطلحات البلاغیه و تطورها*، ص ۲۳۹؛ یحیی بن حمزه الحسینی العلوی،

*الطراز لأسرار البلاغه و علوم حقائق الاعجاز*، ج ۲، ص ۹۴



## فائده و غرض تأکید

تأکید فوائد و اغراض مختلفی دارد که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:<sup>۶</sup>

(۱) جاگرفتن و تثبیت معنا در ذهن مخاطب.<sup>۷</sup> یعنی شک یا تردیدی در ذهن مخاطب نسبت به کلام متکلم وجود ندارد اما اهمیت مطلب به گونه‌ای است که متکلم، لازم می‌داند با تأکید کلام، مخاطب را نسبت به کلام آگاه سازد.<sup>۸</sup>

(۲) ممکن است مخاطب تصور کند متکلم در کلام خویش، دچار فراموشی یا خطا شده و یا معنای مجازی را اراده کرده است. در اینجا متکلم برای از بین بردن این تصورات باطل از ذهن مخاطب، کلام خود را تأکید می‌کند.<sup>۹</sup>

(۳) بلاغیون معتقدند از تأکید برای مخاطبی که کلام را انکار می‌کند و یا نسبت به کلام دچار شک و تردید است، استفاده می‌شود تا شک و تردید او نسبت به حکم و اسناد از بین برود و یا از میزان شک و انکار او کاسته شود.<sup>۱۰</sup>

## مراتب تأکید

آنچه در تأکید اهمیت دارد، دستیابی به هدف متکلم از استعمال تأکید است و از آنجایی که این هدف ممکن است دارای مراتب و درجاتی از شدت و ضعف باشد بنابراین به تبع آن، تأکید نیز در کلام تفاوت خواهد کرد. برای مثال اگر هدف از

۶. برای موارد بیشتر ر.ک: مسعود بن عمر تفتازانی، *المطول*، ص ۵۳

۷. ابن عصفور، *شرح جمل الزجاجی*، ج ۱، ص ۲۲۸ و ص ۲۳۵

۸. عبدالمتعال صعیدی، *البلاغه العالمیه*، ص ۴۶.

۹. محمود بن عمر زمخشری، *المفصل فی صنعة الاعراب*، ص ۱۴۶؛ محمد بن عبدالرحمن خطیب

قزوینی، *الایضاح فی علوم البلاغه*، ص ۵۶؛ یحیی بن حمزه الحسینی العلوی، *الطراز لأسرار البلاغه*

و علوم حقائق الإعجاز، ج ۲، ص ۹۴

۱۰. مسعود بن عمر تفتازانی، *المطول*، ص ۴۷ و ص ۴۸



تأکید، برطرف ساختن شک و یا انکار مخاطب باشد، تأکید کلام بر اساس میزان شک یا انکار مخاطب متفاوت خواهد بود. کتب بلاغی در رابطه با این موضوع مثالی را ذکر کرده‌اند. هنگامی که فرستادگان حضرت عیسی علیه السلام به سوی قومی رفتند و مورد تکذیب قرار گرفتند، به آن‌ها گفتند: «أَنَا إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ» که در این جمله از اسلوب اسمیه بودن جمله و *إِنْ* برای تأکید استفاده شده است. پس از آن که قوم انکار و مخالفت بیشتری از خود نشان دادند، به فرستادگان گفتند: «مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ». از آن جایی که انکار و مخالفت آن قوم بیشتر شده بود فرستادگان الهی کلام خودشان را با تأکید بیشتری آوردند: «رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ»<sup>۱۱</sup> که در این جمله از قسم، *إِنْ*، لام و اسمیه بودن جمله برای تأکید کلام استفاده شده است. به عبارت دیگر؛ مرتبه تأکید متناسب با مرتبه انکار مخاطب تغییر یافت.<sup>۱۲</sup>

با توجه به همین نکته است که بلاغیون کلام خبری را با توجه به حالت مخاطب به سه دسته تقسیم کرده‌اند:

(۱) خبر ابتدائی: در این قسم، ذهن مخاطب خالی از شک و انکار است و نیازی به تأکید نیست.

(۲) خبر طلبی: اگر مخاطب دچار شک و تردید است بهتر و مستحسن است که متکلم برای او تأکید بیاورد.

(۳) خبر انکاری: در این نوع، مخاطب منکر حکم است و به خلاف آن اعتقاد دارد.

۱۱. یس: ۱۴ تا ۱۶

۱۲. مسعود بن عمر تفتازانی، مختصر المعانی، ص ۳۵؛ عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، معترك الأقران فی

إعجاز القرآن، ج ۱، ص ۳۳۴

در اینجا واجب است برای بیان حکم، تأکید آورده شود.<sup>۱۳</sup>

## ادوات و اسالیب تأکید

در زبان عربی ادوات و اسالیب متعدد و مختلفی برای تأکید وجود دارد. از جمله این ادوات می‌توان به این موارد اشاره کرد:<sup>۱۴</sup> لام ابتداء، نون تأکید ثقیله و خفیفه، إن، قسم، حروف جاره زائده، اسمیت جمله، ضمیر فصل، حروف تنبیه، قد تحقیقیه، أما تفصیلیه، مفعول مطلق تأکیدی، تأکید لفظی و معنوی و بسیاری از موارد دیگر که در کتب نحوی و بلاغی به آن‌ها اشاره شده است.<sup>۱۵</sup> در اینجا به بررسی و توضیح درباره برخی از این ادوات خواهیم پرداخت:<sup>۱۶</sup>

۱) إن: از حروف مشبهه بالفعل است که بر مبتدا و خبر داخل می‌شود. از لحاظ لفظی موجب نصب مبتدا و رفع خبر است. نحو یون برای مبتدا و خبری که إن بر آن‌ها داخل می‌شود شرایطی ذکر کرده‌اند.<sup>۱۷</sup> و این حرف از لحاظ معنایی باعث تقویب و تأکید معنای جمله می‌شود. إن اسناد خبری یا همان نسبت خبری را تأکید می‌کند. نحو یون آمدن إن در کلام را مانند این می‌دانند که جمله دو بار تکرار شده باشد. مثلاً «إن زیدا قائم» مانند این است که متکلم دو مرتبه گفته باشد: «زید قائم». بنابر این إن در کلام علاوه بر تأکید

۱۳. محمد بن عبدالرحمن خطیب قزوینی، الايضاح فی علوم البلاغه، ص ۲۸؛ احمد الهاشمی، جواهر

البلاغه، ص ۴۶ و ۴۷

۱۴. مسعود بن عمر تفتازانی، المطول، ص ۴۷؛ محمد دسوقی، حاشیه الدسوقی علی مختصر المعانی،

ج ۱، ص ۳۶۸؛ عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، معترك الأقران فی إعجاز القرآن، ج ۱، ص ۳۳۴

۱۵. برای موارد بیشتر ر.ک: احمد الهاشمی، جواهر البلاغه، ص ۴۸ و پاورقی ۱

۱۶. حسن عباس، أسالیب البیان، ص ۴۲-۴۸

۱۷. ر.ک: عبدالله بن یوسف ابن هشام، أوضح المسالك الی الفیه ابن مالک، ج ۱، ص ۲۹۲



کلام باعث اختصار هم می‌شود.<sup>۱۸</sup>

۲) لام ابتداء: حرفی است که در ابتدای جمله می‌آید. گاهی نیز با تغییر شرایط آن، جایگاه لام تغییر می‌کند که به آن «لام مزحلقة» گفته می‌شود. بصریون معتقدند لام چه در ابتدای جمله بیاید و چه در غیر آن، باعث تأکید کل جمله و نسبت در کلام می‌شود. این درحالی است که کسائی لام را فقط برای تأکید خبر می‌داند. در اینجا نیز نحوین گفته‌اند که آمدن لام به منزله تکرار جمله است و اگر *إِنْ* بیاید گویا جمله سه مرتبه تکرار شده است.<sup>۱۹</sup>

### تفاوت *إِنْ* و لام

- ۱) همانطور که گذشت نحوین معتقدند که: *إِنْ* و لام برای تأکید کل جمله می‌آید اما کسائی لام را برای تأکید خبر به تنهایی می‌داند.
- ۲) بعضی از نحوین از جمله عبدالقاهر جرجانی، تأکید *إِنْ* را بیشتر از لام می‌دانند.<sup>۲۰</sup>

- 
۱۸. عبدالله بن بوسف ابن هشام، شرح قطر الندی، ص ۱۷۰، پاورقی ۲؛ محمد بن حسن رضی الدین استرآبادی، شرح الرضی علی الکافیة، ج ۴، ص ۳۳۶؛ فاضل صالح سامرائی، معانی النحو، ج ۱، ص ۲۶۱؛ عبدالله بن حسین عکبری، اللباب فی علل البناء و الإعراب، ج ۱، ص ۲۰۵؛ حسن عباس، النحو الوافی مع الرابطة بالأسالیب الرفیعة و الحیة اللغویة المتجددة، ج ۱، ص ۵۷۱؛ محمد بن علی صبان، حاشیة الصبان، ج ۱، ص ۴۰۲؛ یعیش بن علی الموصلی الأسدی، شرح مفصل، ج ۴، ص ۵۳۶
  ۱۹. محمد بن حسن رضی الدین استرآبادی، شرح الرضی علی الکافیة، ج ۴، ص ۳۴۲؛ عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، الإیتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۰۴؛ محمد بن بهادر زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۵۰۶؛ عبدالله بن حسین عکبری، اللباب فی علل البناء و الإعراب، ج ۱، ص ۲۰۵؛ یعیش بن علی الموصلی الأسدی، شرح المفصل، ج ۴، ص ۵۳۶
  ۲۰. عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، الإیشباه و النظائر فی النحو، ج ۲، ص ۶۴؛ محمد بن بهادر زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۵۰۳







بر فعل ماضی و اسم در غیر ضرورت شعری داخل نمی‌شود. نحویون آمدن نون تأکید را همانند اِنّ و لام، به منزله تکرار جمله می‌دانند؛ به این معنا که با آمدن نون خفیفه گویا جمله دو بار تکرار شده و با آمدن نون ثقیله نیز گویا سه بار تکرار شده است.<sup>۲۵</sup> سیبویه از استاد خود خلیل نقل می‌کند که تأکید در نون ثقیله از تأکید در نون خفیفه بیشتر است.<sup>۲۶</sup> در این آیه شریفه هر دو نوع تأکید را می‌توان مشاهده کرد: «لَئِنْ لَمْ يَفْعَلْ مَا أَمْرُهُ لَيُسْجَنَنَّ وَ لَيَكُونَنَّ مِنَ

الصَّٰغِرِينَ»<sup>۲۷</sup>

۴) قسم: برای تأکید کلام خبری یا انشائی و همچنین برای جمله اسمیه یا فعلیه، مثبت و منفی به کار می‌رود. قسم به وسیله حروف واو، تاء و باء انجام می‌گیرد. اگر جمله جواب قسم طلبی باشد به آن قسم استعطافی و اگر جمله جواب قسم، خبری باشد غیر استعطافی می‌گویند.<sup>۲۸</sup> در آیه شریفه «تَاللَّهِ لِإِكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ»<sup>۲۹</sup> جمله جواب قسم فعلیه است و در آیه مبارکه «فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ»<sup>۳۰</sup> جمله جواب قسم اسمیه است.

۵) حروف زائده: فایده این حروف در معنا، تأکید مضمون کلام و اسناد است و

۲۵. بعیش بن علی الموصلی الأسدی، شرح مفصل، ج ۵، ص ۱۶۳؛ عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی،

الإتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۰۴

۲۶. عمرو بن عثمان سیبویه، الکتاب، ج ۲، ص ۱۷۲

۲۷. یوسف: ۳۲

۲۸. امیل یعقوب، موسوعة النحو و الصرف و الإعراب، ص ۵۲۲

۲۹. انبیاء: ۵۷

۳۰. ذاریات: ۲۳

در لفظ نیز باعث زیبایی و زینت وزن و کلام می‌شود.<sup>۳۱</sup> بین آمدن و نیامدن این حروف در کلام تفاوت‌هایی وجود دارد و در صورت نبودن آن‌ها در کلام؛ اهل زبان نقصانی را که ناشی نبودن این حروف است احساس می‌کنند. تأکید به وسیله حروف زائده به منزله تکرار جمله است و استفاده از این حروف علاوه بر تأکید باعث اختصار نیز می‌شود. ابن جنی در این‌باره می‌گوید:

«زيادة الحرف بمنزلة اعادة الجملة ثانيا و قائمة مقام اعادة الجملة مرة أخرى»<sup>۳۲</sup>  
غالباً از این حروف برای تأکید جملات منفی استفاده می‌شود.<sup>۳۳</sup>

### تقسیم ادوات و اسالیب تأکید

ادوات و اسالیب تأکید را به جهات مختلفی می‌توان تقسیم نمود. ذکر برخی از این تقسیمات باعث دست یافتن به تفاوت‌های بین اسالیب و ادوات تأکید خواهد شد.

الف) ادوات و اسالیب تأکید از این جهت که کل کلام و اسناد را تأکید می‌کنند یا جزء کلام، به دو نوع تقسیم می‌شوند:

۱) ادوات و اسالیبی که کل کلام را تأکید می‌کنند که به آن تأکید حدیث گفته می‌شود. این همان تأکیدی است که در علم بلاغت از آن بحث

۳۱. محمد بن حسن رضی الدین استرآبادی، شرح الرضی علی الکافیة، ج ۴، ص ۴۳۲ - ۴۳۳

۳۲. عبدالله بن یوسف ابن هشام، معنی اللیب، ج ۱، ص ۱۷۹؛ حسن عباس، النحو الوافی مع الرابطة

بالأسالیب الرفیعة و الحیاة اللغویة المتجددة، ج ۱، ص ۶۵؛ عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، الإیتقان

فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۵۰۸

۳۳. علی المتولی الأشرم، الظاهرة التوکید فی النحو العربی، ص ۶

می‌شود و در واقع تأکید اسناد کلام است. مانند مؤکداتی که در بحث ادوات و اسالیب تأکید از آن‌ها سخن گفتیم.

(۲) ادوات و اسالیبی که جزئی از کلام را تأکید می‌کنند. که به آن محدث‌عنه می‌گویند که به وسیله تأکید مصطلح در علم نحو که از جمله توابع است انجام می‌گردد.

(ب) ادوات و اسالیب تأکید با توجه به این که جمله فعلیه را تأکید می‌کنند یا

جمله اسمیه و یا هر دو، به سه نوع تقسیم می‌شوند:

(۱) بعضی از ادوات و اسالیب تأکید فقط جمله اسمیه را تأکید می‌کنند یعنی مختص به جمله اسمیه هستند مانند *إن*.

(۲) بعضی از ادوات و اسالیب تأکید فقط جمله فعلیه را تأکید می‌کنند یعنی مختص به جمله فعلیه هستند مانند *نون* تأکید.

(۳) برخی دیگر از ادوات و اسالیب برای تأکید هر دو قسم جمله اسمیه و فعلیه استفاده می‌شوند مانند قسم.

(ج) بر اساس این که در تأکید از ادوات و اسالیب رایج استفاده می‌شود یا در معنای کلام، تأکید گنجانده می‌شود، ادوات و اسالیب به دو نوع تقسیم می‌شوند:

(۱) تأکید از اسالیب و ادوات رایج استفاده می‌شود؛ ادوات مانند *إن*، *لام*، *نون* تأکید، و... و اسلوب مانند اسمیت جمله.

(۲) تأکید به صورت معنوی و غیر صریح است. معنوی در این جا غیر از تأکید معنوی در علم نحو است. بنابر این معنوی در اینجا در مقابل قسم اول بود و به معنای عدم ذکر اسلوب یا اداتی در لفظ برای تأکید است و در واقع تأکید از معنا فهمیده می‌شود مثل آیه شریفه «ذلکَ الْکِتَابُ لَا

رَبِّ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»<sup>۳۴</sup> که در این آیه، «لا ريب فيه» تأکیدی در معنا و بیان تثبیتی برای ماقبل خود است. جرجانی می‌گوید: «و بمنزلة ان تقول هو ذلك الكتاب هو ذلك الكتاب فُتعيده مرة ثانية لتثبته»<sup>۳۵</sup> همچنین در آیه شریفه «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ»<sup>۳۶</sup> بعد از آن که السماوات و الأرض ذکر می‌گردد، جبال به آن عطف می‌شود با وجود این که جبال در الأرض وجود دارد.<sup>۳۷</sup>

بنابراین، تأکید در زبان عربی دارای اغراض مختلفی همچون تثبیت مطلب و از بین بردن شک و انکار مخاطب نسبت به کلام است. تأکید درجاتی دارد که با توجه به میزان انکار و شک مخاطب بر درجات تأکید افزوده می‌شود. برای تأکید در هر زبانی علی‌الخصوص زبان عربی، اسالیب و طرق زیادی وجود دارد، که از هر کدام از این اسالیب در جایگاه مناسب خود باید استفاده شود.

مدرسه شهیدین  
بخشی و قدوسی

---

۳۴. بقره: ۲

۳۵. عبدالقاهر بن عبدالرحمن جرجانی، *دلائل الإعجاز فی علم المعانی*، ص ۱۵۲؛ برای موارد بیشتر

ر.ک: محمد بن عبدالرحمن خطیب قزوینی، *الإيضاح فی علوم البلاغة*، ص ۱۲۱

۳۶. احزاب، ۷۲

۳۷. احمد مطلوب، *معجم المصطلحات البلاغیة و تطورها*، ص ۲۴۰



## فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن عصفور، علی بن مومن، شرح جمل زجاجی، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، بی تا.
۳. ابن هشام، عبدالله بن یوسف، أوضح المسالک إلى ألفیة ابن مالک، بیروت، المكتبة العصرية، چاپ اول، بی تا.
۴. ابن هشام، عبدالله بن یوسف، شرح قطر الندی و بل الصدی، قم، ذوی القربی، چاپ چهارم، بی تا.
۵. ابن هشام، عبدالله بن یوسف، مغنی اللیب، قم، کتابخانه حضرت آیت العظمی مرعشی نجفی (ره)، چاپ چهارم، بی تا.
۶. أزهری، خالد بن عبدالله، شرح التصريح على التوضیح، قم، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۱ هـ ق.
۷. أزهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ اول، ۲۰۰۱ م.
۸. الأسدی الموصلی، یعیش بن علی، شرح المفصل، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۲ هـ ق.
۹. تفتازانی، مسعود بن عمر، کتاب المطول و بهامشه حاشیة السید میر شریف، قم، مکتبة الداوری، چاپ چهارم، بی تا.
۱۰. تفتازانی، مسعود بن عمر، مختصر المعانی، قم، دارالفکر، چاپ سوم، ۱۳۷۶ هـ ش.
۱۱. جرجانی، عبد القاهر بن عبدالرحمن، دلائل الإعجاز فی علم المعانی، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، بی تا.

١٢. حسن عباس، فضل، *أساليب البيان*، عمان، دارالفنّانس، چاپ دوم، ١٤٣٠هـ.ق.
١٣. حسن عباس، *النحو الوافى مع رابطته بالأساليب الرفيعة والحياة اللغوية المتجددة*، تهران، ناصر خسرو، چاپ دوم، ١٣٦٧هـ.ش.
١٤. ابن سيدة، على بن اسماعيل، *المحكم والمحيط الأعظم*، بيروت، دارالكتب العلمية، چاپ اول، ١٤٢١هـ.ق.
١٥. الحسينى العلوى، يحيى بن حمزة، *الطراز لأسرار البلاغة وعلوم حقائق الإعجاز*، بيروت، المكتبة العنصرية، چاپ اول، ١٤٢٣هـ.ق.
١٦. خطيب قزوينى، محمد بن عبد الرحمن، *الايضاح فى علوم البلاغة*، بيروت، دارالكتب العلمية، چاپ دوم، بى.تا.
١٧. دسوقى، محمد، *حاشية الدسوقى على مختصر المعانى*، بيروت، المكتبة العصرية، چاپ اول، بى.تا.
١٨. راغب اصفهانى، حسين بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، بيروت، دارالقلم، چاپ اول، ١٤١٢هـ.ق.
١٩. رضى الدين استر آبادى، محمد بن حسن، *شرح الرضى على الكافية*، تهران، مؤسسة الصادق للطباعة و النشر، چاپ اول، ١٣٨٤هـ.ش.
٢٠. زرکشى، محمد بن بهادر، *البرهان فى علوم القرآن*، بيروت، دارالمعرفة، چاپ اول، ١٤١٠هـ.ق.
٢١. زمخشرى، محمود بن عمر، *المفصل فى صنعة الإعراب*، بيروت، مكتبة الهلال، چاپ اول، بى.تا.
٢٢. سامرائى، فاضل صالح، *معانى النحو*، قاهره، شركة العاتك لصناعة الكتاب، بى - چا، بى.تا.
٢٣. سيبويه، عمرو بن عثمان، *الكتاب*، بيروت، مؤسسة الاعلمى، چاپ سوم، بى.تا.
٢٤. سيوطى، عبد الرحمن بن ابى بكر، *الأشباه والنظائر فى النحو*، بيروت، دارالكتب

- العلمية، چاپ دوم، بی تا.
۲۵. سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، *الإتقان فی علوم القرآن*، بیروت، دارالکتاب العربی، چاپ دوم، ۱۴۲۱هـ.ق.
۲۶. سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، *معترك الأقران فی اعجاز القرآن*، بیروت، دارالفکر العربی، چاپ اول، بی تا.
۲۷. صبان، محمد بن علی، *حاشیة الصبان علی شرح الأشمونی*، بیروت، المكتبة العصرية، چاپ اول، بی تا.
۲۸. عکبری، عبدالله بن الحسین، *اللباب فی علل البناء و الإعراب*، دمشق، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۶هـ.ق.
۲۹. المتولی الأشرم، علی، *ظاهرة التوكيد فی النحو العربی*، قاهره، مكتبة جزيرة الورد، بی چا، بی تا.
۳۰. صعیدی، عبدالمتعال، *البلاغة العالیة*، قاهره، مكتبة الآداب، چاپ دوم، ۱۴۱۱هـ.ق.
۳۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، *كتاب العين*، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹هـ.ق.
۳۲. مطلوب، احمد، *معجم المصطلحات البلاغیة و تطورها*، بیروت، مكتبة لبنان ناشرون، چاپ اول، بی تا.
۳۳. الهاشمی، احمد، *جواهر البلاغة*، قم، مركز مدیریت حوزه علمیه، چاپ هفتم، ۱۳۹۵هـ.ش.
۳۴. یعقوب، امیل، *موسوعة النحو الصرف و الإعراب*، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ اول، ۱۳۶۷هـ.ش.